

آزمون نوبت اول (۱)

الف) معنی شعر و نثر

معنی اشعار و عبارات زیر را بنویسید.

- الف) شعری در مدح گیوه من بگوئید، بدانم قوت طبع شما تا چه پایه است.
 ب) به ترتیبی نهاده وضع عالم // که نی یک موی باشد بیش و نی کم
 ج) من به آجلی خادم می‌دادم و خیر خیر جواب می‌آوردم.
 د) کزین پس به کنجی نشینم چو مور // که روزی نخوردند پیلان به زور
 ه) سراجۀ ذهنم آماس می‌کرد.

۱
۱
۰/۵
۱
۰/۵

ب) املائی واژگان

غلط‌های املائی را بیابید و آن‌ها را اصلاح کنید.

- الف) چون موسم حج رسید، برخواست / اشتر طلبید و مهمل آراست
 ب) سپیده فردای گنجه با نحبیب و سفیر گلوله‌های توپ روس، باز شد.
 ج) بانگ و هزاهز و قریو خواست.

۱/۵

ج) دستور

نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید.

- الف) یقین مرد را دیده بیننده کرد.
 ب) فتحعلی شاه بر تخت نشست.

۰/۵

نوع فرآیند واجی به کار رفته در کلمات زیر را مشخص کنید.

- الف) دسترسی (ب) ماست‌بندی (ج) پلکان (د) سبزیجات

۱

شکل همزه در کلمه زیر به چه صورت است؟ آن را بنویسید.
 متلالی

۰/۵

واژگان زیر را از نظر ساخت بررسی کنید. (ساده، وندی، وندی- مرکب، مرکب)

- الف) خودکار (ب) آسمان (ج) راهرو (د) بیمارستان

۱

الگوی هجایی کلمات زیر را بنویسید.

- الف) ابر (ب) کارد

۱

د) معنی واژه

معنی لغات مشخص شده را بنویسید.

- الف) فروماند در لطف صنع خدای
 ج) مشتاقانه و مصمم قدم برمی‌داشتند.
 ه) تحفه برخورد فرهنگ شرق با غرب است.
 ب) زنخدان فرو برد چندی به جیب
 د) ز تن‌ها سر، ز سرها خود افکند
 و) این صلت فخر است.

۱/۵

آزمون نوبت اول (۲)

الف) معنی شعر و نثر

معنی اشعار و عبارات زیر را بنویسید.

الف) تا شما در این آینه، نقش‌های بوقلمون ببینید.

ب) به حرص ار شربت‌ی خوردم مگیر از من که بد کردم // بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا

ج) رفیقی خوش خلق و بذله‌گو که عندلیب انجمن انس ما محسوب می‌شد.

د) چون رایت عشق آن جهانگیر // شد چون مه لیلی آسمان‌گیر

ه) حق تعالی چون اصناف موجودات می‌آفرید، وسایط گوناگون در هر مقام، برکار کرد.

۰/۵

۱

۰/۷۵

۱

۰/۷۵

ب) املائی واژگان

غلط‌های املائی را بیابید و آن‌ها را اصلاح کنید.

الف) شقلم معلمی بود.

ب) اندک مایه حتام دنیا حلال است.

ج) برو شیر درنده باش، ای دقل // مینداز خود را چو روباه شل

۱/۵

ج) دستور

نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید.

الف) عباس میرزا بعد از چند سال خود را به تهران رسانده بود.

ب) جامه بگردانید و تر و تباه شده بود.

۰/۵

۱

برای کلمه «سیر» رابطه‌های معنایی (ترادف، تضمن، تضاد و تناسب) بنویسید.

نوع فرآیند به کار رفته در کلمات زیر را مشخص کنید.

الف) زور آزمایی (ب) سازندگی (ج) بازوان

۰/۷۵

واژگان زیر را از نظر ساخت دستوری بررسی نمایید. (ساده، وندی، وندی- مرکب، مرکب)

الف) دوستدار (ب) بوستان (ج) دندان

۰/۷۵

۱

الگوی هجایی کلمات زیر را بنویسید.

الف) ستان

ب) آسمان

د) معنی واژه

معنی لغات مشخص شده را بنویسید.

الف) نوجوانی میان بالا با بر و بازویی خوش تراش

ج) با صغیر گلوله‌های توپ روس، باز شد.

ب) زنبورک بر اسبان بود.

د) ابلیس پرتلبیس گرد او طواف می‌کرد.

و) به نیروی همت و بازوی حمیت کشتند.

ه) چنین بستند راه ترک و تازی

۱/۵

آزمون نوبت اول (۲)

ه) آرایه‌های ادبی

ابیات و عبارات زیر را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی نمایید.

- الف) سر نشتر عشق بر رگ روح زدند // یک قطره فرو چکید و نامش دل شد
 ب) بخور تا توانی به بازوی خویش // که سعیت بود در ترازوی خویش
 ج) چو آتش در سپاه دشمن افتاد // ز آتش هم کمی سوزنده‌تر شد

و) درک مطلب

مفهوم کنایات زیر را بنویسید.

- الف) میان بالا (ب) دست اندازی (ج) از آن جهان آمدن (د) میان بستن

نویسندگان یا شاعران آثار زیر را بنویسید.

- الف) تاریخ بیهقی (ب) فرهاد و شیرین (ج) اسرارالتوحید (د) آغازگری تنها

شیر و روباه در درس «نیکی» نماد چه انسان‌هایی هستند؟

چرا ابلیس نتوانست وارد دل آدم (ع) شود؟

عباس میرزا چه چیزی را عامل پیشرفت یک کشور می‌دانست؟

بیت روبرو بیانگر چه دیدگاهی است؟ «کدام دانه فرو رفت در زمین که نرُست؟ // چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟»

ز) حفظ شعر

موارد خواسته شده را بنویسید.

- الف) در پِی‌اش القصه در آن مرغزار //
 ب) // ماند غرامت زده از کار خویش
 ج) // کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست
 د) زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت //

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۳

۱

۱

۰/۵

۰/۵

۰/۵

۰/۵

۲

پاسخ آزمون نوبت اول (۱)

فارسی (۲)

۹

الف) تضاد: دوست و بیگانه / مراعات نظیر: رگ، استخوان و پوست / ایهام تناسب: چنگ (۱- نوعی موسیقی ۲- پنجه دست که با استخوان و پوست تناسب دارد) / تشبیه: (چنگ: مشبه به، ش (او): مشبه، چو: ادات، وجه شبه: رگ و استخوان و پوست ماندن) / پوست و استخوان شدن کنایه از اوج لاغری / دوست و پوست: جناس
ب) حس آمیزی: ترانه‌های شیرین، بهانه‌های زرّین / مه خوب: استعاره از معشوق

ج) روی روشن روز: اضافه استعاری / زیر دامن شب: اضافه استعاری / شب و روز: تضاد / نهان گشتن روز کنایه از پایان یافتن روز

۱۰

الف) زندگی را پوچ و بدون دوام دانستن

ب) قوی‌هیکل بودن

ج) سخن گفتن

۱۱

۱- نظامی گنجه‌ای ۲- مولانا جلال‌الدین رومی ۳- نجم‌الدین رازی ۴- سنایی
غزنوی ۵- سعدی شیرازی ۶- جامی

۱۲

الف) نظامی گنجه‌ای

ب) نجم‌الدین رازی

ج) مولانا جلال‌الدین رومی

۱۳

تلاش و توکل به خدا و اتکا به نیروی خود

۱۴

به دام دیو نفس افتادن و فریب شیطان را خوردن

۱۵

گنج معرفت

۱۶

الف) وز قلم او رقمی می کشید

ب) کرد فرائش ره و رفتار خویش

ج) بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست

د) گفت: «آن که یافت می‌نشود آنم آرزوست»

پاسخ آزمون نوبت اول (۲)

فارسی (۲)

۱

الف) تا شما در وجود آدم (ع) نقش‌های رنگارنگ (دل‌ها) ببینید.
ب) اگر به خاطر طمع و نیاز، شربتی نوشیدم جسارت کردم، مرا بازخواست نکن که خطا کردم زیرا در بیابان در فصل تابستان با تشنگی زیاد درحالی که دچار بیماری تشنگی و عطش زیاد بودم، آب سرد و گوارا نوشیدم.

۱

الف) شعری در ستایش کفش من بگوئید تا بدانم قدرت شاعری شما تا چه اندازه است.

ب) خداوند جهان را با نظم بی‌نظیری آفریده که حتی یک تار مو نه کم است و نه زیاد.

ج) من نامه‌ها را به پرده‌دار می‌دادم و تندتند جواب می‌گرفتم.

د) از این به بعد مانند مورچه در گوشه‌ای می‌نشینم که فیلان به زور و قوت تن روزی به دست نیاوردند. (کسب روزی بدون تلاش)

ها) ذهنم از دریافت معانی اشعار ورم می‌کرد. (از فهم مطالب و معانی بر می‌شدم).

۲

الف) برخاست- محمل

ب) نهیب- صغیر

ج) غریو- خاست

۳

الف) یقین: نهاد / دیده: مفعول

ب) فتحعلی شاه: نهاد

۴

الف) کاهش: دسترس ← دسرس

ب) کاهش: ماست‌بندی ← ماس‌بندی

ج) افزایش: پله + ان ← پلکان

د) افزایش: سبزی + ات ← سبزیجات

۵

در میان و پایان: متألّف

۶

الف) خودکار: خود (ضمیر) + کار (اسم) ← مرکب

ب) آسمان ← ساده

ج) راهرو: راه (اسم) + رو (بن مضارع از مصدر رفتن) ← مرکب

د) بیمارستان: بیمار (اسم) + ستان (پسونده) ← وندی

۷

الف) آبر: صامت + مصوت کوتاه + صامت + صامت

ب) کارد: صامت + مصوت بلند + صامت + صامت

۸

الف) آفرینش، ساختن

ب) چانه

ج) با عزم و اراده

د) کلاه فلزی که سربازان به هنگام جنگ یا تشریفات نظامی بر سر گذارند.

ه) هدیه، سوغات

و) پاداش

ج) دوستی خوش اخلاق و لطیفه گو که مانند بلبل در جمع ما بود.
 د) وقتی که عشق مجنون مثل زیبایی لیلی معروف و همه گیر شد.
 ه) خداوند بلند مرتبه هنگام آفرینش پدیده های گوناگون با واسطه های مختلف، انواع موجودات را آفرید.

۲

الف) شغلم
 ب) حطام
 ج) دغل

۳

الف) میرزا: شاخص (وابستهٔ پسین)
 ب) جامه: مفعول

۴

ترادف: بی نیاز / تضاد: گرسنه / تضامن: بیزار بودن / تناسب: شکم

۵

الف) زور آزمایی: کاهش ← زور آزمایی
 ب) سازندگی: افزایش ← سازنده + ی
 ج) بازوان: افزایش ← بازو + وان

۶

الف) دوست (اسم) + دار (بن مضارع از مصدر داشتن): مرکب
 ب) بو (اسم) + ستان (پسوند): وندی
 ج) دندان: ساده

۷

الف) ستان: صامت + مصوت کوتاه + صامت + مصوت بلند + صامت
 ب) آسمان: صامت + مصوت بلند + صامت + مصوت کوتاه + صامت + مصوت بلند + صامت

۸

الف) بر: کنار، روی، سینه
 ب) زنبورک: توپ های جنگی کوچک که در زمان فاجار و صفویه روی اسب می گذاشتند.

ج) صفیر: بانگ، فریاد و آواز (د) پرتلیس: فریبکار
 ه) تازی: عرب زبان (و) حمیت: مردانگی، جوانمردی

۹

الف) سر نشتر عشق: اضافهٔ تشبیهی / رگ روح: اضافهٔ استعاری / قطره استعاره از معرفت
 ب) بازو و مجازاً قدرت و نیرو / سعی مجازاً قدرت و دسترنج / مصراع دوم کنایه از این که به اندازه تلاش بهره مند می شوی.

ج) تشبیه جلال الدین خوارزمشاه به آتش / تشبیه تفضیل: سوزنده تر از آتش / کنایه: آتش در چیزی افتادن کنایه از نابود شدن

۱۰

الف) زیبا و تنومند
 ب) تجاوز کردن
 ج) نجات یافتن از مرگ
 د) آماده شدن برای انجام کاری

۱۱

الف) ابوالفضل بیهقی
 ب) وحشی بافقی
 ج) محمد بن منور
 د) مجید واعظی

۱۲

شیر: افراد توانمند و مستقل - روباه: افراد ناتوان و وابسته به دیگران

۱۳

به این دلیل که دل آدم (ع) جایگاه عشق خداوندی و تجلی گاه حق است.

۱۴

دانش و صنعت

۱۵

باور به برپایی روز قیامت و حساب و کتاب

۱۶

الف) رفت بر این قاعده روزی سه چار
 ب) کرد فرامش ره و رفتار خویش
 ج) دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر
 د) شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

پاسخ آزمون نوبت اول (۱۳)

فارسی (۲)

۱

الف) نه آشکار و نه غریبه (هیچ کس) غمخوار او نشد و مانند چنگ بسیار لاغر و ضعیف شد.

ب) دچار تب شدید و سردردی شد، به طوری که نتوانست اجازه ملاقات بدهد و از دید مردم پنهان شد.

ج) و امیر مسعود که از مرگ نجات یافته بود، وارد چادر شد و لباسش را عوض کرد زیرا خیس و ناخوش شده بود.

د) هنگام مرگ که مرا در تابوت بگذارند و به سوی قبرستان ببرند، گمان مکن که من غم دوری از دنیا و تعلقات آن را می خورم.

۲

الف) قونیه
 ب) حمیت
 ج) صلت

۳

الف) کاهش: قندشکن ← قن شکن
 ب) کاهش: دوستدار ← دوسدار
 ج) افزایش: زندگی ← زنده + ای
 د) کاهش: دستمال ← دسمال

۴

الف) رفت
 ب) تبدیل شد

۵

پس از نماز، کشتی ها خواسته شد.
 نهاد: امیر حذف شد و خواست به فعل مجهول «خواسته شد» تبدیل شد.

لغات مهم املا و معنا

حلاوت	شیرینی	چنگ	نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارهایی دارد که با انگشت نواخته می‌شود.
نژند	اندوهگین، خوار	دغل	مکر و ناراستی
قرین	همراه	دون‌همت	دارای طبع پست، تنبل
وضع	حالت، روش	زنخدان	چانه
تیره‌رأیی	ناراستی، بداندیشی	قوت	خوراک
اقبال	نیک بخشی	حمیت	مردانگی، غیرت
ادبار	بدبختی	تیمار خوردن	غم خوردن
توفیق	آن است که خداوند، اسباب را موافق خواهش بنده مهیا کند تا او به نتیجه دلخواه برسد	جیب	گریبان، یقه
صنع	آفرینش	شد	در این‌جا به معنی رفت
شوریده‌رنگ	آشفته‌حال	—	—

آرایه‌های مهم

زبان مجازاً سخن - بیت «بلند آن سر، که او خواهد بلندش // نژند آن دل، که او خواهد نژندش» تلمیح به آیه ۲۶ سوره آل عمران ﴿عز من تشاء و تذلل من تشاء﴾ - مصراع «که نی یک موی باشد بیش و نی کم» ستایش کنایه از دقت زیاد - پا یک سو نهادن کنایه از دور شدن - نگون‌بخت کنایه از بدبخت - مصراع «زنخدان فرو برد چندی به جیب» کنایه از انتظار کشیدن - ایهام تناسب: چنگ (۱) - نوعی ساز ۲ - پنجه دست که با رگ و استخوان و پوست تناسب دارد. - به کنج نشستن کنایه از بیکاری - شیر درنده استعاره از قدرتمندی - به سر بردن کنایه از گذراندن - شیر و روباه نماد قدرتمندی و ناتوانی - خود را افکندن کنایه از ناتوانی - دو سرا استعاره از دنیا و آخرت - بازوی حمیت: اضافه استعاری

دستور

حلاوت‌سنج و چاشنی‌بخش: کلمه مرکب - در کلمه نژندش، مرجع ضمیر «ش»، خداوند - دریا بسته: ترکیب وصفی - برای تشخیص تعداد جملات یک متن کافی است به شمارش تعداد فعل‌ها و شبه‌جمله و منادا بپردازیم - فرو ماند: فعل پیشوندی - دگر روز: روز دیگر - دستور تاریخی - روزی‌رسان: وندی مرکب - بیننده: صفت فاعلی (بن مضارع + نده) - ضمیر «ش» در چنگش، مضاف‌الیه و جهش ضمیر؛ چو چنگ رگ و استخوان و پوستش - ضمیر «ش» در محرابش، مضاف‌الیه و جهش ضمیر؛ ز دیوار محراب آمد به گوشش - در مصرع «چه باشی چو روباه به وامانده سیر» «چه باشی»: (نباش)؛ استفهام انکاری که صورت سؤال مثبت و جواب منفی است - در مصراع «بخور تا توانی به بازوی خویش» فعل «بخور» بر اجزای جمله مقدم شده است. (شیوه بلاغی) - آسایش: وندی یا مشتق - کرم و رزد (کرم می‌ورزد): مضارع اخباری - در معنی واژه به رابط‌های معنایی توجه شود، ماه، طولانی بود و ماه، تابناک بود. ماه اول به معنی ماه تقویمی و ماه دوم قمر، ماه آسمان است.

تاریخ ادبیات

وحشی‌بافقی: از شاعران معروف مکتب وقوع است، آثار او: مثنوی‌های «فرهاد و شیرین»، «خلدبرین» و «ناظر و منظور»
سعدی: از معروف‌ترین شاعران سبک عراقی است، آثار او: «بوستان»، «گلستان» و «کلیات»
عبدالرحمن جامی: از شاعران مشهور سبک عراقی است، آثار او «هفت اورنگ»، «نفحات الانس»، «لوامع» و «بهارستان» که به تقلید از گلستان سعدی سروده شده.

لغات مهم املا و معنا

قایقی کوچک که از درخت توخالی بسازند	ناو	دشوار	صعب	ج طیب	اطبا
بار سنگین، گناه	وزر	پاداش، بخشش	صلت	مجروح، خسته	افکار
آشوب، سر و صدا	هزاهز	زمین زراعتی	ضیعت	سوار شدن	بر نشستن
شور و فریاد	غریو	بیماری	عارضه	خدمتکاران	حشم
سختی و عذاب، گناه	وبال	گردن‌بند	عقد	امضا کردن یا مهر کردن	توقيع
قصر پادشاه	کوشک	تاوان‌زده	غرامت‌زده	نامه و فرمان	چاشتگاه
دستور داد	مثال داد	جنگیدن با کفار	غزو	نزدیک ظهر	چاشتگاه
سکه نقره	دِرم	آسایش	فراغ	ج خطوه، گام‌ها، قدم‌ها	خطوات
پرده‌دار	آغاجی	اندرونی، اتاق مخصوص زن و فرزند و خانواده	فرود سرای	سریع	خیرخیر
مال اندک دنیا	حطام	باکفایت، دانای کار	کافی	گروه نوکران	خیلتاش
تشت	تاس	به رنگ فیروزه	فیروزه فام	صحرا، دامنه کوه	راغ
اجازه ملاقات داد	بار داد	نزدیک‌شونده	متقارب	نامه کوتاه	رقعت
بزرگ	عمید	پنهان	محبوب	چرم و پوست	دوال
پارچه کتانی که در توز بافته شده است	توزی	مژده‌رسان	مبشّر	باغ و گلزار	روضه
به هر حال	علی‌ائى حال	ناپسندی	کراهیت	طلای سکه شده	زر پاره
میلیون	هزارهزار	گردن‌بند	مخنقه	نابودشدن	زایل‌شدن
		فرستادن	گسیل کردن	دریافت کردن	سِتْدن
		هم‌نشین	ندیم	خیمه، سایه‌بان	شراع
		نماز ظهر	نماز پیشین	جشن	سور
				سحرگاه	شبگیر

آرایه‌های مهم

جناس: (خواست، خاست) - نیرو کردن آب کنایه از شدت گرفتن موج آب - جامه گردانیدن کنایه از عوض کردن لباس - قلم در نهادن کنایه از نوشتن - از آن جهان آمدن کنایه از نجات یافتن از مرگ - تیره شدن سور کنایه از تمام شدن جشن - دل‌ها سخت متحیر شد کنایه از اطرافیان امیر مسعود ناراحت شدند - رخت کشیدن کنایه از کوچ کردن - ایهام: شاهد ۱- ناظر و گواه ۲- محبوب و زیبارو - پای باز کشیدن کنایه از دوری کردن - از قلم کسی رقم کشیدن کنایه از تقلید کردن - خام کنایه از بی تجربه

دستور

فرود آمدن و برنشستن: فعل پیشوندی - تکرار فعل و کوتاهی جملات: ویژگی سبک خراسانی - نیک کوفته شد: نیک، قید است - خبری سخت ناخوش: سخت، قید است - خیرخیر: قید حالت - نماز پیشین: ترکیب اضافی - نعمت تندرستی: ترکیب اضافی - بزرگا: منادا که خود یک جمله محسوب می‌شود (ه و الف)، آن نشانه بزرگی و عظمت است - جمله معلوم: مریم کتاب می‌خواند، نهاد این جمله مشخص است - مجهول: کتاب خوانده می‌شود، نهاد: / فاعل (مریم) حذف شده و کتاب جایگزین «مریم» (نهاد) می‌شود.

تاریخ ادبیات

ابوالفضل بیهقی: نویسنده «تاریخ بیهقی» که به «تاریخ مسعودی» هم معروف است. عبدالرحمان جامی: شاعر، هفت اورنگ او شامل «سلسله الذهب»، «سلامان و آیسال»، «تحفة الاحرار»، «سبحة الابرار»، «یوسف و زلیخا»، «لیلی و مجنون» و «خردنامه اسکندری» است. آثار دیگر او «دیوان»، «بهارستان» و «نفحات الانس» است.

لغات مهم املا و معنا

خوش لقا	خوش سیما	مريد	پيرو، سالک
رضوان	نگهبان بهشت	فَرّ	شوکت، شکوه
شبگرد	شبرو	متفق	هم سو، هم نظر
عازم	رهسپار	مرشد	ارشاد کننده
صنم	بت	زانو زدن	با ادب نشستن
مرشد	پیشوای دینی	ملامت	سرزنش
دستار	مندیل	تشیيع	دنبال جنازه رفتن
طعن	سرزنش	قدس الله روحه العزيز	خداوند روح عزیز او را پاک گرداند
طرز	روش، شیوه	پیوستگان	خوبشان
مرثیه	خواندن اشعار غمگین در سوگ کسی	مشایخ	ج شیخ، عالم فقهی
برزن	کوچه، محله	صحبت	هم‌نشینی
مناسک	ج منسک، جاهای عبادت حاجیان	مَلک	فرشته
گریز پا	رمنده	—	—

آرایه‌های مهم

آتش استعاره از عشق و معرفت الهی - سوختگان کنایه از عاشقان - آفتاب عشق استعاره از شمس تبریزی (ناگهان، آفتاب عشق...) - آشنا و بیگانه مجازاً همه - ترانه‌های شیرین: حس آمیزی - مه خوب خوش لقا استعاره از شمس تبریزی - صد هزار مجازاً کثرت - نی استعاره از مولانا - چپ و راست مجازاً همه جا - جهانیان مجازاً مردم جهان - سر به بالین نهادن کنایه از خوابیدن - «پس من چه گویم؟» (من نمی توانم بگویم) استفهام انکاری - خورشید عمر مولانا: تشبیه - دیو استعاره از شیطان - در افتادن به دام دیو کنایه از گمراهی - دانه انسان: تشبیه - بیت «کدام دانه فرو رفت در زمین...»: تلمیح به روز حشر و قیامت - صنم استعاره از معشوق - خانه، در، گوشه: مراعات نظیر - گرد کسی گشتن کنایه از عاشق او بودن - آواز عشق: تشخیص و اضافه استعاری - فلک مجازاً عالم بالا - شهر مجازاً جایگاه - بیت «ما به فلک بوده‌ایم...»: تلمیح به آیه ﴿الی الله تصیر الامور﴾ و حدیث «کل شیء یرجع الی اصله» - «از این دو چرا نگذریم؟»: استفهام انکاری - بخت یار کسی بودن کنایه از خوشبختی - ایهام «خراب»: (۱- مست و بیهوش ۲- عاشق) - من خراب شبگرد مبتلا: تنسیق الصفات - درد استعاره از عشق - کوی عشق: اضافه تشبیهی - پیر نماد انسان کامل - تابوت روان بودن کنایه از مردن - مصراع اول بیت ۱۷ «کدام دانه فرو رفت...»: استفهام انکاری و مصراع دوم آن استفهام برای نهی است.

دستور

«من» در «به من» متمم - ترانه و بهانه از نظر ساخت دستوری: ساده - «گوید ← بگوید»: مضارع التزامی - «بر»، متمم و «م»: مضاف‌الیه - طلب کنم: مضارع التزامی - «ببریدم»: ماضی ساده - چون: وقتی که - عزم تماشا: ترکیب اضافی - می‌رسد: مضارع اخباری - حرف «که» در بیت «جمله که آن شهر ماست» حرف تعلیل است - شبگرد: صفت فاعلی مرکب - من خراب: ترکیب وصفی - کان را: که برای آن - در «اشارتم کرد» ضمیر «م» نقش متممی دارد (به من اشاره کرد). در مصراع، چرا به دانه انسان... ضمیر «ت»، نقش نهادی دارد. چرا تو به دانه... - خواجه و شیخ: شاخص - او را چیزی نوشتم: «را» فک اضافه (برای او چیزی نوشتم) - خواجه عبدالکریم: خادم خاص بدل شیخ ما

- نقش‌های تبعی:
- ۱- معطوف: مریم و زهرا آمدند.
 - ۲- بدل: مریم، خواهر زهرا آمد.
 - ۳- تکرار: تکرار یک واژه در یک نقش، دوبار در جمله بیاید. مریم آمد، مریم.

تاریخ ادبیات

محمدبن منور: اثر او اسرار التوحید که شرح احوال ابوسعید ابوالخیر

لغات مهم املا و معنا

عاشق	خیال‌پرست	نوعی از دویدن، دویدن اسب	لُکّه
شوخی کردن، حکایت‌های خوب گفتن	لطیفه‌پرانی	ثروتمند	متمکّن
ذوق	قریحه	خانه، اتاق	حجره
گاهی که به خودی خود رشد کند	خودرو	ورم	آماس
ناگهان و بدون تفکر شعر گفتن	فی‌البداهه	صندوقچه	سراچه
در حال حاضر	به نقد	ارمغان، هدیه	تحفه
شوخ	بذله‌گو	نام روستایی در یزد	کبود
بلبل	عندلیب	بوستان، مزرعه صیفی‌کاری	پالیز
خوش‌اخلاقی	حسن سیرت	ثروت	تمکّن
خوب‌رویی	صباحت	اراده و خواست خداوند	مشیت
نوعی کفش	گیوه	آشفستگی	بحران
شادی	مسرت	اولین شیری که یک ماده به نوزادش می‌دهد و برای استخوان‌بندی مفید است	شیر آغوز
انجام دادن	پیش گرفتن	حرکت با احتیاط و دست کشیدن به اطراف	کورمال
عذرخواهی	پوزش	فاقد، بدون	عاری
نوعی لباس بلند مردانه	قبا	بد، ناخوشایند	ناگوار
پارچه و کاغذی که بر چیزی بپیچند	لفاف	نام مرضی که بیمار آب بسیار خواهد اما سیر نمی‌شود	استسقا
کوتاهی کردن، خودداری	فرو گذاری	شادمان	مسرور
رک‌گویی، روشنی	صراحت	نرمش، سازگاری با محیط	انعطاف
پاکی	طهارت	جوان	شاب
نامه‌بر	قاصد	شریعت، مقابل عرفان و طریقت	تشریح
جدا شدن	سلب شدن	روبیدن، جارو کردن	زُفتن
ماده‌ای خوشبو	کافور	یقه	گریبان
شخصی که برای به عهده گرفتن مسئولیتی معرفی شده باشد	نامزد	آنکه مروارید می‌افشاند	دُر افشان
حفظ کردن	ضبط کردن	فردی که علاوه بر قرآن و مفاتیح‌الجنان تنها کلیات سعدی را بلد باشد	موجود یک کتابی
همراه	توأم	دلسوز	غم‌گسار